

بایر دوباره برآید

گزیده سروده‌های

شهنام دادگستر

به کوشش

دکتر علی یزدی نژاد



سرشناسه	: دادگستر، شهنام، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: باید دوباره روید: گزیده سروده‌های شهنام دادگستر/ به کوشش علی یزدی نژاد.
مشخصات نشر	: تهران : میرماه ، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۳-۴۵۶-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: گزیده سروده‌های شهنام دادگستر.
موضوع	: شعر فارسی-- قرن ۱۴ Persian poetry -- 20th century
شناسه افزوده	: یزدی نژاد، علی، ۱۳۴۸ - ، گردآورنده
شناسه افزوده	: Yazdinejad, Ali
رده بندی کنگره	: PIR۸۰۴۱
رده بندی دیویی	: ۶۲/۸۱۶۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۷۱۱۷۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

www.ketab.ir

باید دوباره روید گزیده سروده‌های شهنام دادگستر



ناشر: میرماه

به کوشش: دکتر علی یزدی نژاد

تمام حقوق قانونی اثر برای سرائنده محفوظ است.

صفحه آرا: مریم ناظم زاده

لیتوگرافی و چاپ: نقش جوهر

صحافی: احرار مبین

نوبت و سال انتشار: نخست / ۱۴۰۰

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۳-۴۵۶-۴

تهران، نیاوران (شهید باهنر)، خیابان مژده (شهید مقدسی)

پلاک ۶۴، طبقه ۵، واحد ۱۳ کدپستی: ۱۹۷۱۸۱۵۱۶۶

تلفن: ۲۲۷۵۹۲۰۳ - ۲۲۷۲۲۹۰۱ فاکس: ۲۲۷۲۲۹۰۲

www.mirmah.com info@mirmah.com

یادداشت

شاید از نخستین روزهایی که چیزیکی سرودم، نیم سده گذشته باشد. دوره اول دبیرستان، همزمان با خواندن شعر و جمع آوری شعرهای دلخواه، گاهی و گاهگاهی می سرودم؛ هم پنهان و هم خاموش و از هراس یا شرم کودکانه، از نشان دادن آن به دیگران و خواندنش برای گوش های آشنا و همراه، تن می زدم و آنقدر در پستوهای غم گرفته ماند که پرسید و چیزی از آن ها هم در خاطر من نماند. سال ها، دیگر نسردم؛ چیزهای دیگری ذهن و فکرم را درگیر خود کرده بود؛ شاید گمان داشتم که شعر، نه بر سراینده اثر دارد نه بر شنونده و چه پندار خام و بیهوده ای! با آغاز خیزش شگفت و اندیشه برانگیز و نابوسیده مردم ایران در سال ۱۳۵۷، هنگامی که اندکی بزرگ تر شده بودم، گویی این چشمه دهن بسته و دهانه کور درون ریز نیز سر باز کرد و اندک اندک جوشید و من ذره ذره سرودم تا امروز که در مرز میان سالی و پیرانه سری، گویی بی آن نمی توانم زیست و نمی توانم اندیشید. همواره بخت یارم نبود؛ اما در این مورد، بخت یارم بود که "کارگیل" من در همه سال ها، هم ارز و همراه "کار دل" بوده و برای نان درآوردن هم شعر می خواندم و درباره شعر و شاعری حرف می زدم؛ یعنی معلم ادبیات شدم و خواسته و ناخواسته در هوای شعر، نفس کشیدم و همین، انگیزه ای وارونه شد تا به سروده هایم و خودم، بیش از آن که باید، سختگیر باشم و هر بار از چاپ و نشر آن شانه خالی کنم که شاید برخاسته از ترس بود یا خجالت رومستایی یا ایده آل جویی غیرواقع بینانه و یا هرچه هست این که انبوهی کاغذپاره، سیاه کرده ام که روی دستم مانده و جایم را تنگ کرده است. بسیار سرودم؛ هم به اقتضای روزگار و هم به نیاز درون؛ با نگاه خود و به ویژه با زبان خود، خوب یا بد؛ تندرست یا بیمار، دلاویز یا دلگزا... که خوانندگان داوری خواهند کرد، شاید زمانی که دیگر از داوری های آنان باخبر نشوم.

با همه شیفتگی به شعر و ادبیات کهن ایران، هرگز گمان نکردم که نباید از آن گامی فراتر نهاد و نباید تازه و دیگرگونه سرود و نیز با همه همراهی با شعر نو (نیمایی)،

سپید، موج نو و ...، باز هم باور نکردم که نو بودن شعر وابسته به قالب آن است؛ از این رو هرگز خود را در بند سبک و قالب گرفتار نکردم؛ زیرا باور دارم که هر شعر چون آفریده‌ای ذی شعور، پیکره و قالب خویش را، بی آنکه شاعر بخواهد، برمی‌گزیند و خود را می‌نمایاند. کم‌کم به این باور رسیدم که تنها واژه‌ها، اندیشه‌ها، ایماژها و زبان نو، نشانه‌تازگی و نو بودن شعر هستند؛ از این رو غزل‌های "سایه" همان اندازه نو هستند که "مرغ آمین" نیما، "مهره سرخ" کسرائی، "خوان هشتم" اخوان، "پریای" شاملو، "تولد دی دیگر" فروغ، و ... و همین‌گونه است اندیشه‌های نو، واژه‌های نو و ترکیب‌های نو در اشعار رودکی، خیام، فردوسی، سعدی، حافظ، وحشی، بیدل، صائب و ... از همین است که در دفتری که پیش‌رو دارید از چارگانی و مثنوی و غزل و قصیده می‌بینید تا انواع کوتاه و بلند شعر نو؛ فارغ از این‌که من - سراینده جوششی این اشعار - چه قدر توانایی در بیان نهفته‌های درونم داشته‌ام و تا چه اندازه، مهر زبان و اندیشه و وضع روزگار بر آنان نشسته باشد.

سرانجام دوستی گران‌مایه، دکتر علی یزدی‌نژاد، ادیب پزشک و پزشک شاعر، با برداشتن این بار گران، مرا از شرم پرهیز رها کنید. او کاسه آبروی خود و نشر خود را در دست گرفت؛ اشعارم را گزینش کرد و همه زحمات آن را برای چاپ و نشر، از آغاز تا پایان عهده‌دار شد تا شما خوانندگان ببینید این دفتری را که در اختیارتان قرار گرفته است و به قول یک بزرگ که می‌گفت: "شعر، وقتی که از سینه بیرون آمد و بر قلم جاری شد، دیگر متعلق به خوانندگان است." این اثر از آن شماست و امیدوارم آن اندازه پذیرفتنی و هم‌دلانه شود که این دوست ارجمند، این مرد بزرگ عرصه تن و روان و دل مردم و بیش از آن، انسان مهرورز، راست‌کار و خردپیشه از کاری که کرده است؛ یعنی نشر شعر من، پشیمان نگردد.

نمی‌توان این دیباچه را به پایان آورد مگر با یادی از مادرم و پدرم که مرا این‌گونه بار آوردند و از کودکی، بی‌اندکی دریغ، دانه‌های مهر و نیک‌خواهی را در باغچه درونم کاشتند، اما این‌که این نهال چگونه برآمده باشد، سخنی دیگر است و نیز با سپاس از نازنینانی که همه این سال‌ها، شکیبایانه، شوریدگی‌های مرا پذیرفتند و نگذاشتند قلم به بیراهه برود؛ همسر همراه، فداکار و مهربانم و نیز فرزندان پاک‌نهاد و نیک‌اندیش من.

شهنام دادگستر

تهران - مهرماه ۱۴۰۰ خورشیدی

فهرست

۵	یادداشت	۳۲	دلم دریا	۵۶	تقسیم
۹	نگارین خانه	۳۳	راستی	۵۷	نترسیدم
۱۰	باغ رؤیا	۳۴	همواره بوده‌ام	۵۸	پرواز جان
۱۱	آسمان حیرت	۳۵	هزار واژه	۵۹	بیشه انسان
۱۲	شاهین خیال	۳۶	گل واژه	۶۰	خاموش کن
۱۳	صید آرزو	۳۷	برده نالاستی	۶۱	سنگستان
۱۴	سوزن عقل	۳۸	زنگین کمان عشق	۶۲	مستانگی
۱۵	ستارگان حسود	۳۹	ابر بی باران	۶۳	چراغ چشمانم
۱۶	روباه زمانه	۴۰	کشتن شمع	۶۴	روزهای رفته
۱۷	یخ بی مهری	۴۱	خسته از خاموشی	۶۵	واژه‌ها
۱۸	فصل‌ها	۴۲	سبو	۶۷	یک بار دیگر
۱۹	سنگ می‌کاریم	۴۳	آغازیدن	۶۸	برای دل
۲۰	بندبازی	۴۴	پشیمانی	۶۹	پندار پنهان
۲۱	بودن و شدن	۴۵	دست‌ها	۷۰	پیک پنهان
۲۲	فردوسی	۴۶	آواز بی پژواک	۷۱	پيلهات را بشکن
۲۳	جلادها و مطرب‌ها	۴۷	هرگز	۷۲	شکست خواب
۲۴	همراه آیین‌ه‌وار	۴۸	در گشودم	۷۳	بیگانگی
۲۵	خروس خواب‌آلود	۴۹	خواهد آمد	۷۴	حدیث نفس
۲۶	فرشته آشتی	۵۰	پرستوهای عاشق	۷۵	گذشتیم
۲۷	لیلاج	۵۱	بند زمان	۷۶	بازی چرخ
۲۸	ترس از ماندن	۵۲	باغ بهمن	۷۷	باد پیمان شکن
۲۹	هر گوشه از جهان	۵۳	آواز خاموش	۷۸	عهد نانجیب
۳۰	زندانی و زندان بان	۵۴	شگفتا عشق	۷۹	کوله شعر
۳۱	تپیدن دل	۵۵	مست ساقی	۸۰	سهم من

۸۱	جان تنها	۱۱۶	پیوند با خزان	۱۴۷	شعر بلند آرزو
۸۲	لالایی خوان	۱۱۷	باید دوباره روید	۱۴۸	بی که دیده باشمت
۸۶	تو بخوان و بنواز	۱۱۸	تلخ پر از شکر	۱۵۰	دل آوازی دگر
۸۷	شادمانی چمن	۱۱۹	آیین غزل	۱۵۱	واپسین یلدا
۸۸	همراهی غزل	۱۲۰	چامه برای اندیشه	۱۵۲	چراغ من
۸۹	با- بی	۱۲۱	کاشکی	۱۵۴	خنیاجر
۹۰	گل به آیینی	۱۲۲	نی نامه نو	۱۵۵	شغال و شیر
۹۲	گوشه گیر جوان پیر	۱۲۵	آینه	۱۵۷	شبان امید
۹۴	وال عشق	۱۲۶	خود اتهامی	۱۵۸	جاودانگی
۹۵	باغ سینه	۱۲۷	درد مشترک	۱۶۰	ناک وفا
۹۶	دگر دسی	۱۲۸	بالیدن به باور	۱۶۱	چراغی در دل
۹۸	دوندگان	۱۳۰	آینه مردمک	۱۶۲	ستاره
۱۰۰	اما خوشم	۱۳۱	در قحطی عشق	۱۶۳	مستانه می آیم
۱۰۱	داروگ هم نمی خواند	۱۳۲	ای طبیب	۱۶۴	بیماری
۱۰۲	کودک	۱۳۳	انسان	۱۶۵	بایستگی ناشایست
۱۰۳	پروانه های رنگارنگ	۱۳۴	بهار از یادمان نرود	۱۶۶	کوچه ها
۱۰۴	تنور خود	۱۳۵	خواب	۱۶۷	پریشان
۱۰۵	حسرت دریا شدن	۱۳۶	تاوه کل جان...	۱۶۸	باران سخن
۱۰۶	کوچه در جان تو...	۱۳۷	من امشب...	۱۶۸	باغ سبز دوستی
۱۰۷	اتفاق غریب	۱۳۹	وفاداری	۱۷۰	تندیس مهر
۱۰۸	بلاغت	۱۴۰	قلم	۱۷۱	کویر خاطرات
۱۰۹	حافظانه	۱۴۱	ای شادی	۱۷۲	بی کاش
۱۱۰	نزدبان شعر	۱۴۲	در ماه بی مرگی	۱۷۳	باد پاییز
۱۱۱	باورهای گنگ	۱۴۳	... دوباره	۱۷۴	صبا آمد به مهمانی
۱۱۲	حیوانات خانگی	۱۴۴	در پی سایه خود	۱۷۵	جان را بپیراید غزل
۱۱۳	گریز از تاریک خانه	۱۴۵	پاسخ به تردید	۱۷۶	پوپک بهار
۱۱۵	شلاق عسس	۱۴۶	چه می شد ...		